

## پناهیان: همه سختی‌ها و خوشی‌های زندگی ما متأثر از سازوکار هدایت است/آشنایی با سازوکار هدایت، یعنی آشنایی با همه آنچه در این دنیا به ما می‌رسد/ نمی‌توان منهای مفهوم «هدایت»، تئوری حکومت اسلامی را تبیین کرد/کسانی که از ساز و کار هدایت خبر نداشتند، می‌گفتند امیرالمؤمنین(ع) سیاست بلد نیست!

پناهیان: اگر انسان‌ها رزق و روزی و معیشت خودشان را خارج از موضوع هدایت نگاه کنند، با خداوند مشکل پیدا می‌کنند و سر کم و زیاد شدن روزی خودشان با خداوند چانه می‌زنند و احياناً برای به‌دست آوردن نعمات دنیا دچار رفتارهای نادرست می‌شوند. ... همین الان هم خیلی از جاهلان، ایرادهایی به حاکمیت اسلامی می‌گیرند که ناشی از نفهمیدن ساز و کار هدایت است. این ایرادها گاهی اوقات ناشی از این است که از حاکمیت اسلامی توقع زیادی دارند، و گاهی اعتراض به دخالت‌های حاکمیت اسلامی در اموری است که به نظر آنها نباید دخالت شود

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلى بزرگ امام خمینی با موضوع «خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه دوم** را می‌خوانید:

### هدف همه دستورات و مقدرات الهی هدایت ماست/ همه سختی‌ها و خوشی‌های زندگی ما متأثر از سازوکار هدایت است

- هدایت یک مفهوم جامع و فراگیر است و حتی از فراتر از دستورات الهی است. مفهوم هدایت، همه واقعیت‌هایی پیرامون ما را که توسط خداوند مقدر می‌شود در بر می‌گیرد، چون این مقدرات الهی، به هدف هدایت ما از سوی خداوند مقدر می‌شود و هیچ هدف دیگری برای آن قابل تصور نیست. ما با مفهوم هدایت به عنوان یک مفهوم جامع، سر و کار داریم و می‌توان گفت اصلاً ما در دنیا با چیزی غیر از هدایت مواجه نیستیم.
- یکی از تفاوت‌های اساسی بین دنیا و آخرت این است که شما در عالم آخرت می‌توانید لذت ببرید و سرگرم لذات مادی و معنوی باشید و اهل عذاب هم در رنج و عذاب خواهند بود، ولی در دنیا هر اتفاقی از جمله سختی‌ها و خوشی‌ها که برای ما رخ می‌دهد، متأثر از ساز و کار هدایت است که بنا دارد انسان‌ها را به سوی آن جایی که لازم است، سوق دهد. لذا آشنا شدن با ساز و کار هدایت، در واقع آشنا شدن با کل آن چیزی است که در این عالم به ما می‌رسد؛ از سلامتی تا بیماری، فرامین الهی، مقدرات ما و الهامات قلبی و هدایت‌های ویژه‌ای که در قلب انسان جاری می‌شود، همگی زیرمجموعه هدایت قرار می‌گیرند.

### خداوند با بندگانش کاری جز هدایت ندارد/حتی رزق و روزی رساندن به بندگان هم تحت قاعده هدایت است

- خداوند متعال با بندگانش کاری جز هدایت ندارد. حتی کارهایی مثل رزق و روزی رساندن به بندگان هم، تحت قاعده هدایت انجام می‌شود. نمی‌شود چیزی را خارج از مقوله هدایت تصور کرد. **اگر انسان‌ها رزق و روزی و معیشت خودشان را خارج از موضوع هدایت نگاه کنند، با خداوند مشکل پیدا می‌کنند و سر کم و زیاد شدن روزی خودشان با خداوند چانه می‌زنند و احياناً برای به‌دست آوردن نعمات دنیا دچار رفتارهای نادرست می‌شوند.**
- تمام روابطی که خداوند در دنیا با بندگانش دارد، تحت تأثیر مفهوم و ساز و کار هدایت است و اگر به کسی غضب کند، او را گمراه خواهد کرد، که نقطه مقابل هدایت است.

## بعضی‌ها انتظار دارند خداوند آنها را به زور هدایت کند و به سوی بهشت بفرستد

- همان‌طور که جلسه قبل بیان شد، معنای کلمه هدایت، سوق دادن با لطافت، نرمی و مهربانی است. این سوق دادن خیلی تفاوت دارد با سوق دادنی که همراه با درستی است و گاهی اوقات ما همین نوع سوق دادن درشت را از خداوند می‌خواهیم. به حدی که کافران در روز قیامت می‌گویند: اگر خداوند ما را هدایت می‌کرد، ما گمراه نمی‌شدیم! (أَوْ تَقُولُ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ زمر/۵۷) این قبیل افراد منظورشان این است که خداوند به زور، آنها را هدایت کند. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «چهارپایان جز با زدن، اصلاح نمی‌شوند؛ وَ الْبَهَائِمُ لَا تَنْتَبِهُ إِلَّا بِالضَّرْبِ» (نهج البلاغه/نامه ۳۱) اینها چون خودشان را شبیه چهارپا می‌پندارند، دوست می‌داشتند که خدا آنها را به زور، به سوی بهشت بفرستد که البته خداوند متعال این کار را انجام نمی‌دهد. خیلی‌ها منتظرند یک اتفاقی بیفتد که به سوی بهشت بروند، حتی اگر احترام آنها هم رعایت نشود ولی خداوند متعال به هیچ‌وجه این کار را انجام نمی‌دهد.
- راز مظلومیت اولیاء خدا در اکثر موارد در همین «لطف» و مهربانی و نرمی است که وصف هدایت است. اگر خداوند نمی‌خواست این لطف را داشته باشد اصلاً به منافقین مهلت نمی‌داد و ائمه هدی(ع) این قدر مظلوم واقع نمی‌شدند. یکی از هزینه‌هایی که خداوند بابت این هدایت کردن مهربانانه، پرداخت کرده است کربلای امام حسین(ع) است.

### نمی‌توان منهای مفهوم هدایت، تئوری حکومت اسلامی را تبیین کرد/کسانی که از ساز و کار هدایت خبر نداشتند می‌گفتند امیرالمؤمنین(ع) سیاست بلد نیست!

- ما در ذیل مفهوم هدایت، با جدی‌ترین مسائل عالم مواجه هستیم. اصلاً شما نمی‌توانید منهای مفهوم هدایت، تئوری حکومت اسلامی را تبیین کنید و برای خودتان توجیه کنید. چرا -به تعابیر مختلف - می‌گفتند امیرالمؤمنین(ع) سیاست و مدیریت بلد نیست؟ (قال علی(ع): لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ: إِنَّ عَلِيًّا رَجُلٌ شَجَاعٌ [وَ] لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ؛ ارشاد مفید/۲۸۰/۱) و (يَقُولُونَ إِنَّ عَلِيًّا كَانَ لَهُ جَمْعٌ عَظِيمٌ فَفَرَّقَهُ وَ حَصَّنَ حَصِينَ فَهَدَمَهُ... إِذَنْ كَانَ ذَلِكَ هُوَ الْحَرْمُ؛ وقعه صفین/ص ۵۲۹) و (وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَدَهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَهْلِ النَّاسِ؛ نهج البلاغه/خطبه ۲۰۰) برای اینکه از ساز و کار هدایت خبر نداشتند. (امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «من بلد هستم و می‌دانم چگونه شما را به راه راست بیاورم و مجبور کنم از من اطاعت کنید من می‌دانم چه چیزی شما را درست می‌کند و اعوجاج و کج‌روی شما را اصلاح خواهد کرد اما به خدا قسم شما را با فاسد کردن نفس خودم، اصلاح نخواهم کرد؛ وَ إِنِّي لَمَأْلَمٌ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ يَبْقِي أَوْدَاجَكُمْ وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ لَا أَصْلِحُكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي؛ الغارات/۴۲۸/۲)
- **همین الان هم خیلی از جاهلان، ایرادهایی به حاکمیت اسلامی می‌گیرند که ناشی از نفهمیدن ساز و کار هدایت است. این ایرادها گاهی اوقات ناشی از این است که از حاکمیت اسلامی توقع زیادی دارند، و گاهی اعتراض به دخالت‌های حاکمیت اسلامی در اموری است که به نظر آنها نباید دخالت شود.**
- مفهوم هدایت در منظومه معارف ولایی ما آن‌قدر جایگاه لطیفی دارد که پیامبر(ص) می‌فرماید: «من انذاردهنده هستم و علی(ع) هادی است؛ أَنَا الْمُنْذِرُ وَ عَلِيُّ الْهَادِي» (اصول سته عشر؛ ص ۴۱) باید دید فرق بین انذار و هدایت چیست که در این‌جا یک تقسیم کار بین پیامبر(ص) و علی(ع) انجام شده است؟ چه سرنوشتی در امامت و نسبت آن با هدایت وجود دارد؟
- امام صادق(ع): هر دعایی را ترک کردید، این دعا را ترک نکنید که «خدایا مرا هدایت کن...»
- برای هدایت باید از خداوند تقاضا کنیم که ما را هدایت کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر کاری را ترک کردی، این کار را ترک نکن و صبح و شب این دعا را بگو: ...خدایا مرا هدایت کن در مسیر کسانی که هدایت‌شان کردی؛ مَهْمَا تَرَكْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تَتْرُكْ»

أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ: ...اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ» (کافی/۵۳۹/۲) این دعا شبیه همان آیه «هَذَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ» صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (فاتحه/۷) است. و بعد در ادامه دعا می‌فرماید: «وَقِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُفْضَى عَلَيْكَ وَ لَا يَدُلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَيْتَ» (کافی/۵۳۰/۲) حضرت می‌فرماید هر دعایی را ترک کردید، صبح و شام این دعا را ترک نکنید.

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز می‌فرماید: «در تعقیبات همه نمازهاست این دعا را بخوان: خدایا مرا هدایت کن، از نزد خودت آن هدایت خاص را به من برسان...؛ تَقُولُ فِي ذِكْرِ كُلِّ صَلَاةٍ اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ» (ثواب الاعمال/ص ۱۵۹)

### گاهی خدا مشکل ما را حل نمی‌کند تا بفهمیم که واقعاً چه چیزی را باید از خدا بخواهیم

- باید دعا و تمنا را برای هدایت، زیاد باشد. خیلی از اوقات انسان درگیر مشکلات است و می‌خواهد آن مشکل را حل کند و از خدا هم تقاضا و تمنا می‌کند، ولی حل نمی‌شود چون خدا می‌خواهد به ما نشان دهد که ما واقعاً چه چیزی را باید از خدا بخواهیم و تمنا کنیم. کسی می‌گفت: من یک تقاضایی داشتم که حدود ۱۰ سال از خدا می‌خواستم و دعا می‌کردم ولی مشکلم حل نمی‌شد. یک شب ماه رمضان، در دعای خود با خدا گفتم: «خدایا! مشکل مرا که حل نکردی، لاقول مرا هدایت کن که خودم بفهمم چکار باید انجام دهم» و همان موقع بود که دعای من مستجاب شد.
- تقاضا برای هدایت به تعبیری عالی‌ترین دعاست. بعضی‌ها فقط استغفار می‌کنند؛ درست است که استغفار خیلی لازم است، ولی نه اینکه فقط استغفار کنیم. این کار به این معنا خواهد بود که ما فقط می‌خواهیم از عذاب الهی نجات پیدا کنیم و هدایت زیاد برای مان اهمیت ندارد. اگر فقط استغفار لازم بود، در سوره حمد، فقط استغفار می‌آمد ولی در این سوره واجب، تقاضای هدایت را مطرح می‌کنیم. تقاضای هدایت، یک کار «یجایی» است، نه یک کار سلبی. استغفار بعد از این است که انسان خطایی انجام داده باشد یا اینکه خودش را در خطا ببیند، ولی هدایت یک کار ایجابی است و برای درست کردن است.

### هدایت در ابتدایی‌ترین مراحلش هم، نیاز به تمنا دارد

- وقتی شما می‌خواهید هدایت شوید، در همه مراحل، نیازمند هستید به اینکه خداوند شما کمک کند، یعنی در هر مرحله‌ای نیاز به هدایت الهی دارید. در مرحله اول، همین که یک مطلب بخواهد به گوش شما برسد، لازم است خداوند شما را به سمت آن مطلب هدایت کند. گاهی خداوند اجازه نمی‌دهد آن مطلبی که لازم دارید، حتی به گوش شما برسد. مرحله بعدی هدایت این است که معنای آن چیزی که به گوش تو رسیده است را متوجه شوی. گاهی شما یک سری آیات قرآن را روایات را می‌خوانید اما -حتی از نظر ذهنی هم- به معنایش منتقل نمی‌شوید؛ اینجا یک هدایت دیگری باید اتفاق بیفتد. در این مرحله اگر خدا نخواهد شما را هدایت کند، با اینکه مطلب به گوش شما رسیده است ولی شما متوجه معنای آن نمی‌شوید و یعنی به ذهن شما وارد نمی‌شود. مرحله سوم هم این است که (بعد از اینکه متوجه آن مطلب شدید) از آن متأثر شوید و تأثیر پذیرید. در این مرحله هم لازم است خداوند شما را هدایت کند که آن مطلب به دل شما بنشیند.
- هدایت در ابتدایی‌ترین مراحلش هم، نیاز به تمنا دارد. مثلاً در همان مرحله اول اگر تمنا نباشد، انسان آن مطلبی که برای هدایتش لازم است را اصلاً نمی‌شوند. هر چیزی را انسان در هر زمانی نمی‌شنود؛ یعنی وقتی مطلبی به شما می‌رسد حتماً جزء عملیات هدایت شما بوده است که الان به شما رسیده است. و بعد از اینکه آن مطلب به گوش شما رسید، باید به معنای آن منتقل شوید یعنی باید برای شما جابیفند. در مرحله بعد نیز آن معنایی که فهمیدی، باید به دلت هم بنشیند. مثلاً ما الان می‌فهمیم که «حجم

آیات قرآن، شدت محبت خدا را نسبت به بندگانش می‌رساند» اگر این معنا به دل ما نشیند، اثری بر قلب ما نخواهد داشت. ولی بعضی‌ها وقتی این مطلب را می‌فهمند، و عمیقاً متوجه شدت محبت خدا به خودشان می‌شوند، واقعاً بر قلبشان اثر می‌گذارد.

- امام صادق (ع) به شخصی به نام سلیمان بن خالد فرمودند: «ای سلیمان، تو قلبی داری و گوش‌هایی داری (گوش‌های دل) وقتی خدا بخواهد بنده‌ای را هدایت کند، گوش‌های دلش را باز می‌کند، و وقتی نخواهد او را هدایت کند، گوش‌های دلش را کر می‌کند که در این صورت، دیگر او صالح نخواهد نشد؛ يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ لَكَ قَلْبًا وَ مَسَامِعَ وَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَهْدِيَ عَبْدًا فَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ إِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ خَتَمَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ فَلَا يَصْلُحُ أَبَدًا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محاسن/۲۰۰/۱) در روایت دیگری می‌فرماید: «بنده مؤمن، چهار چشم دارد، آن دو چشم اضافه، دو چشم قلب است که وقتی خدا خیر بنده‌ای را بخواهد، دو چشم قلب او را باز می‌کند: أَلَا إِنَّ لِلْعَبْدِ أَرْبَعَةَ أَعْيُنٍ يُبْصِرُ بِهِنَّ أَمْرَ آخِرَتِهِ وَ عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِنَّ أَمْرَ دُنْيَاهُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْزِزُ خَيْرًا فَتَحَ لَهُ الْعَيْنَيْنِ اللَّتَيْنِ فِي قَلْبِهِ» (توحید/۳۶۷)

### هدایت یعنی راه یافتن آن پیام قراردهنده به دل انسان

- امام صادق (ع) می‌فرماید: «قلب انسان بین سینه انسان و حنجره او بال بال می‌زند، (یعنی دل در این سینه قرار ندارد) تا وقتی که به ایمان معتقد شود، وقتی با ایمان گره خورد، قرار پیدا می‌کند، و این سخن پروردگار است که می‌فرماید: هر کس ایمان پیدا کند، قلبش هدایت می‌شود، این یعنی قرار یافتن قلب؛ إِنَّ الْقَلْبَ لَيَتَرَجَّعُ فِيمَا بَيْنَ الصَّنَدِ وَ الْحَنَجْرَةِ حَتَّى يَتَّعَدَّ عَلَى الْإِيمَانِ فَإِذَا عَوَدَ عَلَى الْإِيمَانِ قَرَّ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ قَالَ يَسْكُنْ» (محاسن/۲۳۹/۱) هدایت یعنی یافتن آن پیام قراردهنده به دل انسان.

### شاخص هدایت از نظر جسمی چیست؟/ علامت اینکه اذن دخول به حرم به تو داده شده چیست؟

- خداوند می‌فرماید: «آن کسی را که خداوند به او شرح صدر داده است و یک نوری را از پروردگار دریافت می‌کند آیا او مثل کسی است که این گونه نیست؟ وای بر کسانی که قلبشان قاسی از ذکر خداست؛ أَمْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِمْ قَوْلٌ لِقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (زمر/۲۲) در آیه بعد می‌فرماید: «خداوند بهترین سخن را نازل کرده است... آنهایی که از پروردگارشان خشیت دارند از شنیدنش پوست بدنشان به لرزه در می‌آید و بعد یک نرمی‌ای در پوست و جان‌شان می‌افتد. این همان هدایت الهی است که خدا هر کسی را بخواهد، این هدایت را به او می‌دهد؛ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْتَشُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ» (زمر/۲۳) کسی که هدایت شده است، وقتی پای قرآن بیاید، چه اتفاقی برایش می‌افتد؟ او وقتی آیات قرآن را می‌خواند، پوستش به لرزه در می‌آید. یعنی شاخصش را از نظر جسمی بیان فرموده است. بعد می‌فرماید: بعد از اینکه لرزشی به پوستشان افتاد، یک نرمی‌ای در پوستشان و جانشان می‌افتد. یعنی انسان می‌تواند این را در پوست بدنش احساس کند. حالا ارتباط این موضوع با هدایت الهی چیست؟ خداوند در ادامه آیه ارتباطش را بیان می‌فرماید: «این همان هدایت الهی است که خدا هر کسی را بخواهد، این هدایت را به او می‌دهد؛ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ» (زمر/۲۳) یعنی این همان هدایت خاصه‌ای است که خدا به هر کسی دلش بخواهد می‌دهد.
- آقای بهجت (ره) می‌فرمود: وقتی خواستی وارد حرم شوی، اذن دخول بگو. و علامت اینکه به تو اذن دخول داده‌اند یا نه، این است که ببینی آیا دارد گریهات می‌گیرد یا نه؟ اگر دیدی که گویا اشک تو دارد جاری می‌شود، معنایش این است که تو را راه داده‌اند. اذن

دخول حضرت سیدالشهداء(ع) گریه است، اگر اشک آمد امام حسین(ع) اذن دخول داده‌اند و وارد شوید. این شاخص یا علامتی که آقای بهجت(ره) فرموده است، به تعبیری شبیه همان «تَفْسَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» است که در آیه فوق بیان شده است.

### تو هدایت را تمنا کن، خواهی دید که چطور از در و دیوار برای تو هدایت می‌بارد/داستان هدایت توسط امام رضاع(ع)

- باید از خدا تمنا کنیم که ما را هدایت کند. مفهوم هدایت را بدون تمنای هدایت نمی‌توان فهمید. تو هدایت را تمنا کن، و دیگر کاری نداشته باش، خواهی دید که چطور از در و دیوار برای تو می‌بارد. گویا همه می‌خواهند تو را در جهت هدایت، کمک کنند و سوق دهند.
- یک شخصی که دچار یک مسلک اشتباه شده بود، با همان عقیده نادرستش به حج رفته بود و مناسک حج را انجام داده بود. می‌گوید: آخرش دیدم که حرف‌ها مختلف است. به قسمت مستجار رفتم و پرده خانه کعبه را گرفتم و از خدا تقاضا کردم مرا به راه درست هدایت کند. از پرده خانه کعبه که جدا شدم به دلم افتاد که به مدینه بروم و خدمت علی بن موسی(ع) برسم(طبیعتاً با توجه به مسلکش، امام رضاع(ع) را قبول نداشت) وقتی به در خانه امام رضاع(ع) رسیدم به غلام گفتم که برو به آقا بگو: یک مرد عراقی آمده است. امام رضاع(ع) صدایش را از داخل خانه بلند کرد و صدا زد: داخل شو، فلانی(نام مرا بیان فرمود) بیا که خدا دعای تو را مستجاب کرد(«...كُنْتُ وَاقِفًا فَحَجَّجْتُ عَلَى تِلْكَ الْحَالَةِ فَلَمَّا صِرْتُ بِمَكَّةَ اخْتَلَجَ فِي صَدْرِي شَيْءٌ فَتَعَلَّفْتُ بِالْمَلْتَزَمِ... قُلْتُ لِلْغُلَامِ قُلْ لِمَوْلَاكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ بِالْبَابِ فَسَمِعْتُ نِدَاءَهُ ادْخُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الْمُعْبِرَةِ فَدَخَلْتُ فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ قَالَ قَدْ أَجَابَ اللَّهُ دَعْوَتَكَ وَ هَذَاكَ لِإِيْنِكَ»(اختصاص/ص ۸۴) یعنی همین که خالصانه تقاضا کردی و از خدا خواستی که «خدایا مرا هدایت کن» خدا هم تو را هدایت کرد.

### وقتی از خدا می‌خواهی با تو رابطه داشته باشد، در واقع داری از خدا می‌خواهی تو را هدایت کند/ حتی اگر به حد اولیاء، خدا بررسی باز هم باید هدایت شوی و جلوتر بروی

- شما صبح که بلند می‌شوید، در نماز صبح دو بار می‌گویید: «هُدَيْنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»(فاتحه/۶) ممکن است خداوند تا ظهر این دعای شما را مستجاب نکند. اما دوباره در نماز ظهر و عصر چهار مرتبه این دعا را تکرار می‌کنید. و شب هم چهار مرتبه دیگر این دعا را تکرار می‌کنید. واقعیت این است که اصلاً خدا با بنده‌اش کار دیگری جز این هدایت ندارد. اگر از خدا می‌خواهیم که با ما رابطه داشته باشد، در واقع داریم از خدا می‌خواهیم ما را هدایت کند.
- مراقب باشید که یک وقت نگویید: ما هدایت شده‌ایم! چون هدایت یک مرحله‌ای نیست. حتی اگر به حد اولیاء خدا هم برسید باز هم باید هدایت شوید و جلوتر بروید. اگر یک لحظه تو را رها کنند متوقف می‌شوی یا به عقب بر می‌گردی.
- هدایت برخی از اولیاء خدا در این مرحله است که وقتی بلند می‌شوند وضو بگیرند، آب، زمین و در و دیوار با آنها صحبت می‌کنند و او را تشویق می‌کنند که جلوتر برود. مثل کسی که در مسابقه «دو» یا دوچرخه‌سواری شرکت کرده است و مردم در دو طرف جاده می‌ایستند و او را تشویق می‌کنند که با سرعت بیشتری حرکت کند. کسی که به سمت خدا حرکت می‌کند، ملائکه این طوری او را تشویق می‌کنند.

